گفت‌وگو با علی ثمری، دبیر سابق هیأت عالی گزینش کشور

عاقبت فرقه انحرافی نابودی است

علی رجبی/ سیدعامر سباح

حجت‌الاسلام علی ثمری از آن دسته روحانیونی است که قبل از مطرح شدن به‌عنوان یک چهره سیاسی، یک مسیری شناخته شده برای مردم تهران است. آن‌هایی که در مراسم‌های مذهبی مسجد ارک و حسینیه لباس‌فروش‌های تهران شرکت کرده‌اند با خاطره‌های تند ایشان، آشنا هستند. علی ثمری با بر نزدیکی حلوا گی با محمود احمدی‌نژاد از جمله حامیان او در سال ۸۴ بود که همراه با او به دولت راه یافت. دبیر شورای فرهنگی دولت، امام جماعت مسجد شهاد ریاست جمهوری و دبیر شورای عالی گزینش مهم‌ترین وظایفی بود که وی در مدت حضورش در دولت بر عهده گرفت. او یکی از کسانی است که به‌دلیل انتقادهای صریح از گروه انحرافی از دولت کنار گذاشته شد. ایشان در طول مصاحبه دقت زیادی داشتند که نام افراد ذکر نشود و بعضی از سؤالات ما درباره گروه انحرافی را نیز بدون پاسخ گذاشتند. آن‌چه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی دو ساعته ما با حجت‌الاسلام ثمری، امام جماعت فعلی مسجد انصارالحسین (علیه‌السلام) است.

به ابتدای دولت نهم برویم. چگونه شد که حاج آقا ثمری که همه او را به‌عنوان یک مسیری معروف در تهران می‌شناختند، سر از دولت درآورد؟

اتفاقی من یا آقای احمدی‌نژاد ربطی به لتخیلات نداره. ما یا ایشان رفیق قدیمی بودیم. پدر ایشان جزو نمازگزاران ثابت مسجد ما بود. من از قدیم نسبت به ایشان و خانواده ایشان ارادت داشتم. بعد از پیروزی در انتخابات، خود آقای احمدی‌نژاد از من خواست که با ایشان همکاری کنم. بنده هم با توجه به شعارهایی که ایشان می‌داد که به حق زنده کننده شعارهای اول انقلاب و احیاکننده مرام‌های امام و منویات رهبری بود، احساس تکلیف کردم که با دولت ایشان همکاری کنم.

عده‌ای معتقدند چیزی که امروز از آن به‌عنوان جریان یا گروه انحرافی یاد می‌شود، یک شبه متولد نشده است، چراکه همین افراد از همان ابتدای دولت در پست‌هایی همچون معاونت رییس‌جمهوری قرار گرفته بودند. شما به‌عنوان کسی که در دولت حضور داشته‌اید، آیا با این نظر موافقید.

شاخص برای ما ولایت فقیه است. انتظاری که از اهل سیاست و دیانت می‌رود این است که بر طبق فرموده رهبری، مسائل را اصلی و فرعی کنند. نکته بعد این است که آقای مشایی نه‌تنها مسأله فرعی که مسأله‌ای جزئی است و ما باید به‌دنبال مسائل اصلی کشور باشیم. این افراد را نباید به‌عنوان یک جریان یا عقیده اجتماعی نگاه کرد، بهترین عنوانی که برای این‌ها می‌توان به کار برد، فرقه است. نکته سومی که مطرح باید بشود این است که از همان ابتدا مکرراً به رییس‌جمهوری درباره فرقه انحرافی تذکر داده شده، اما متأسفانه از همان زمان، ایشان به نصیحت خیرخواهانه دوستان، اطرافیان و حتی خانواده خودشان عمل نکردند. من از همان ابتدا با توجه به تکلیف شرعی خود و به‌عنوان فردی که مسئولیت فرهنگی نهاد را بر عهده داشتم و امام جماعت مسجد نهاد به‌عنوان یک فرقه منحرف یاد کرد، طمع کردند و انفاقاتی نظیر بحث رابطه با اسراییل، مدیریت انبیاء مکتب ایرانی و امثالهم را رقم زدند. این فرقه به این صورت عمل می‌کرد که با پیدا کردن خلأهای فکری در وجود بعضی افراد دولت به بهره‌گیری از آن‌ها پرداخت و منویات خود را در کشور پیش برد. که البته به حمدالله امروز با بیداری مردم این فرقه مهار شده و به کنج انزوا رفته است.

وظیفه ما در قبال این فرقه چیست و سرنوشت آن‌ها را چطور می‌بینید؟

برای مقابله با این فرقه وظیفه داریم، در زیر پرچم ولایت، شعارهای انقلاب و مطالبات امام و رهبری را پیگیری کنیم و با توجه به منویات رهبری، روشنگری را در دستور کار خود قرار دهیم. رهبری سال گذشته تأکید فراوانی بر بصیرت همراه با تحلیل قوی داشتند. پیش‌بینی من است که رعایت این نکات که اشاره کردم خود به خود باعث خواهد شد که این جریاناتی که تحت نام فتنه و انحراف از آن‌ها یاد می‌شود، همان‌طور که الان در گوشه ینگ قرار دارند به کنج فراموشی نیز بروند. به‌طور مشخص این فرقه نیز همچون سایر فرقه‌هایی که در سالیان دور، نزدیک خوشت در راه انقلاب مشکل ایجاد کنند، از بین خواهند رفت طوری که نشانی از آن‌ها باقی نماند.

این روشنگری که فرمودید چه ابعادی دارد؟

مثال واضح روشنگری را در صحبت‌های اخیر رهبری با هیأت دولت دیدیم. رهبری در این دیدار فرمودند که دولت وعده‌هایی داده که باید بیاید و بگوید که درباره آن‌ها چه کرده است. رسانه‌ها باید دولت را در همین مورد بازخواست کنند و باید به‌دنبال این باشند که ببینند دولت به چه اندازه به وعده‌های خود عمل کرده. دولت نیز باید ضمن گفتن وعده‌های عملیاتی شده، همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند، آن وعده‌هایی را که نتوانسته عملیاتی کند، را به مردم بگوید و دلیل عدم توفیق خود را نیز برای مردم شرح دهد و از آن‌ها عذرخواهی کند. این که شما اهالی رسانه چنین مسائلی را مطرح کنید، مصداق صریح روشنگری است. در بحث فرهنگی هم بارها فرموده‌اند که رضایت ندارند. روشنگری یعنی آن که بیاییم در میدان و از دولت بخواهیم که پاسخ دهد که در برابر این مطالبات رهبری چه کرده است؟ چرا با این حال که رهبری به بقعات از شیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی و جنگ فرهنگی سخن گفته، به‌دنبال تعطیل کردن گشت ارشاد و طرح عفاف و حجاب است؟ چرا با آن که رهبری از لزوم کار کارشناسی و ندادن وعده‌های دور از انتظار سخن گفته، این‌ها سخن از سه برابر شدن یارانه‌ها می‌کنند؟ مگر دولت در تأمین همین پرداخت‌ها گیر نکرده؟ پس چرا قول‌های بزرگ‌تر می‌دهید؟ ایشان فرمودند وعده‌هایی که می‌دهید را مراقب باشید که عملی شود. این کار امروز شما در جمع قشری از جامعه که کارگر و زحمتکش هستند می‌گویید یارانه‌ها باید سه برابر شود و

در وزارت خارجه این فرقه می‌خواستند کارهایی بکنند که الحمدالله مانع شدیم. در حوزه نهاد ریاست‌جمهوری و بعضی جاهای دیگر هم پا داشتند چنین جلسه‌هایی داشته باشند به‌طوری که آدم‌های خود را بیاورند ولی تا جایی که مقدور و ممکن بود نگذاشتیم. تکلیف‌مان را انجام دادیم و خوشحال هم هستیم که پای این وظیفه ماندیم تا آن روزی که احساس کردند نمی‌توانند ما را به راه خود بکشانند و عذرما را خواستند

هم بودم، حداقل هفته‌ای سه یا چهار بار برای اعضا دولت صحبت کرده‌ام مطالب و موارد متعددی از قرآن، احادیث و روایات را بر طبق سخن حضرت علی (علیه‌السلام) که فرموده‌اند «النصیحت لائمه المسلمین» خدمت اعضای دولت بازگو می‌ساختم. اما اصلاً بحث قدرت و ریاست این است که حالت طغیان و سرکشی را در انسان ایجاد می‌کند. خدا نیز در قرآن فرموده است که «إن الانسان لیطغی ان راه استغنی» یعنی سنتی الهی است که اگر انسانی احساس کند نسبت به دهانش می‌رسد، دوستان بد برای خود انتخاب کند و از مدار خدایی فاصله بگیرد، طغیان خواهد کرد. علاوه بر این نکته، متأسفانه به‌واسطه اقبال ویژه‌ای که مردم به دولت به‌خاطر خدمات بی‌نظیر به آن داشتند و پشتیبانی ویژه رهبری از دولت، عده‌ای که از آن‌ها باید

■ ایستادن در برابر رهبری نشانی از ضعف اعتقاد است

اصلاً میانجی برای ارائه این نظریه وجود ندارد، چیزی جز جلب توجه مردم برای انتخابات نیست. این را هر کسی می‌فهمد.

مشخصاً درباره گلایه رهبری از بحث فرهنگی صحبت کردید. اما رییس‌جمهوری درست چند روز بعد از سخنان رهبری، از عدم اعتقاد به جنگ فرهنگی سخن گفت. روشنگری در این مورد چه جایگاهی دارد؟

نکته اصلی این است که ایشان به‌عنوان یک قرد، می‌تواند اعتقاد نداشته باشد. اما امروز در جایگاهی قرار دارد که ینا بر سوگندی که خورده، باید مجری سیاست‌های نظام باشد. اگر رییس‌جمهوری می‌خواهد، نقادی کند و جبهه فرهنگی را جبهه نمی‌داند، جایش در محیط‌های علمی و آکادمیک است. تریبون‌های عمومی جای تبیین و تفسیر و بیانه کردن سیاست‌های کلی نظام است که این سیاست‌ها را هم کسی جز ولایت تبیین نمی‌کند. این حرف‌ها سخنانی است خلاف قرمایشات رهبری. این حرف‌ها، تریبونی نیست و جناب آقای رییس‌جمهوری اشتباه کردند که این حرف را زدند چراکه ایشان معصوم نیستند. البته عده‌ای دوره احمدی‌نژاد جمع شده‌اند و هر کاری ایشان انجام می‌دهد «ماشاءالله» بیعه و چه‌چه می‌گویند.

این موضوعی که گفتید درست است، اما بحث مهم‌تر این است که فردی آمده و موضعی رسمی برخلاف آن‌چه رهبری فرموده‌اند گرفته است. با این فرد چه باید کرد؟

جایگاه ولی فقیه، جایگاه امام معصوم (علیه‌السلام) است و ولایت فقیه طبق نظر امام رضوان‌الله تعالی علیه ولایت مطلقه دارد و همه‌ای است که رسول الله دلت و ما باید تابع باشیم. لذا بعد از این که در مطلبی ولایت اظهارنظر کرد، چون و چرا یعنی نقص اعتقادی، موضع متفاوت گرفتن، یعنی نقص اعتقادی از نظر اعتقادی و